هفته نامه

# نوید

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم ـ شمارهٔ ۵۱ ـ شنبه ۲۲ مهر ۱۳۵۷

# رهنمودهای جنبش اعتصابی

"اعتصابات گسترده ، جلوه ای است از یک شرایط ویژه ... وجود وضعیت انقلابی ، رشد بحران انقلابی به طور مستقیم ..."

"لنین"

اعتصابات سیاسی که به دنبال کودتای نظامی "شاه ـ اویسی" موج از پی موج برخاست ، درواقع نوعی مقابله و عکس العمل مردم دربرابر شرایط تحمیل شده حکومت نظامی بود. مردمی که چند روز پیش از کودتا ، با تظاهرات سیاسی سه چهار میلیون نفری ـ که در تاریخ میهن ما سابقه نداشت ـ به مبارزه علنی و عریان با رژیم شاه برخاستند ، با تغییر اوضاع سیاسی ، شیوه و شکل مبارزه خود را تغییر دادند و نبرد تظاهراتی را تبدیل به اعتصابات رزمی کردند. بدینسان آزمان آغاز مشهود بود که جوهر ملی و هدف نهایی اکثریت نزدیک به اتفاق اعتصابات سیاسی و مطالباتی ، عنصر مقاومت و مبارزه است و به همین دلیل جنبه سیاسی این اعتصابات فراتر و فائق تر از جنبه اقتصادی آنست . (این واقعیت را گرایش های سیاسی روز افزون و بسیار وسیع اعتصابات که به تدریج تظاهر کرد ، تائید نمود.) اما در عین حال محتوای اقتصادی اعتصابات که خود به نحو غیر مستقیم و به طرز دیگر ریشه سیاسی داشت ـ از ماهیت طبقاتی و ضد استثماری آن حکایت می کرد. هم این وحدت استثماری و طبقاتی و هم آن جنبه سیاسی آشکار و مبارزه جویانه ، نشان داد آنها که جنبش سراسری میهن ما را صرفا مذهبی می خوانند و خواست های آن را منحصر به این عرصه می دانند ، تمامی واقعیت را در نظر نمی گیرند. بی آن که نقش مذهب و آرمانهای مجاهدت آمیز آن را در جنبش سراسری مردم انکار کنیم ، ناگزیر روی این نکته باید توقف کنیم که نفی نقش طبقات و اقشار و سازمان ها و گروه های غیر مذهبی در جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی میهن ما و دست رد زدن به سینه آن ها و حتی کوشش برای دورکردن آنها از صحنه مشترک مبارزه ، در واقع حداکردن مبارزان مذهبی ، از مبارزان غیر مذهبی ، تفرقه انداختن در میان شماری نیروهای ملی و دموکراتی است که به اقتضای طبیعت و خواست های خود به جنبش ملی و دموکراتیک مردم پیوسته اند و فعالانه در آن شرکت دارند. چگونه می توان شمار دانشجویان و استادان دانشگاه ها و بسیاری از محصلین را که آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکومت نظامی در رأس آن قرار دارد ، خواست کارگران پارس الکتریک و هزاران کارگر دهها واحد تولیدی دیگر را که مطلقا سیاسی و علیه رژیم اختناق است ، صدای کارگران و کارمندان مخابرات را که علیه شرکت امپریالیستی ملل و سلطه چپاولگرانه این شرکت امریکایی و حقوق های ۱۰۰ هزار تومانی هزاران کارمند آمریکایی آن در ایران برخاسته ، خواست وسیع کلیه احزاب و سازمان های سیاسی را که خواهان استقلال ایران ، برچیدن بساط حکومت طلقه ، اخراج ده ها هزار کارشناس و مستشار

دنباله در صفحه ۲

# مساله بر سر میزان پیروزی جنبش است

اوج گیری بی سابقه نبرد اعتصابی در سراسر کشور و در میان کلیه طبقات و اقشار خلقی ، در حالی که تظاهرات سیاسی و رزمی گسترده مردم با شکوهی خیره کننده و در میان امواج خون و دود و با روت به پای آنست ، بحران عمیق و انفجاری رژیم شاه را به آن مرحله که دیگر ادامه آن با شکل و کیفیت کنونی مقدور نیست ، رسانده است . جنبش میلیونی توده ها ، استخوان های دیکتاتوری متکی به امپریالیسم را می شکند و برای دموکراسی ، راه می گشاید. در این حال دیگر مساله بر سر پیروزی یا شکست جنبش نیست ، مساله بر سر حدود مرزهای پیروزی آنست ، چراکه برگشت به اوضاع و احوال گذشته با توجه به زیر و رو شدن موازنه نیروهای دیکتاتوری و ضد دیکتاتوری ، زیر و رو شدن موازنه نیروهای طبقاتی و اجتماعی ، ویران شدن بسیاری از قالب ها و خنثی شدن بسیاری از شیوه های حکومتی گذشته ، شکسته شدن سدهای سیاسی و روانی که مدت های مدید احساسات و اراده ملی را محبوس کرده بود ، دیگر از معجزه هم دشوارتر است . اینک در میهن ما آن لحظه مترک فرا رسیده است که لنین ، آموزگار بزرگ انقلابی آن را آستانه انقلاب می خواند و با این مشخصات آن را در "قانون اساسی" انقلاب های جهان معرفی می کند:

"برای انجام انقلاب کافی نیست که توده های استثمار شونده و ستم زده به عدم امکان زندگی به شیوه قدیم پی ببرند و خواستار دگرگونی آن باشند . برای انجام تحول انقلابی لازمست که حکومت کنندگان نیز نتوانند به شیوه سابق ، حکومت کنند: بالائی ها ادامه زندگی به روال کهنه را نخواهند و "پائینی ها" ادامه گذشته را نتوانند. این حقیقت را به صورت دیگر می توان چنین بیان کرد: انجام انقلاب بدون بروز بحران همه گیر در سراسر کشور (یعنی بحرانی که هم استثمار شوندگان و هم استثمارگران را در برگیرد) امکان پذیر نیست . بنابراین برای انقلاب باید : اولا اکثریت کارگران ـ و یا به هر حال اکثر کارگران آگاه و از لحاظ سیاسی فعال ـ ضرورت انقلاب را به حد کمال دریافته و آماده با شعف به خاطر آن مرگ را پذیرا شوند. ثانیا طبقات حاکمه در زمینه اداره امور دولت به چنان بحرانی دچار شده باشند که حتی طبقه مانده قرین اقشار توده را نیز به میدان سیاست بکشانند ( نشانه هر انقلاب اصیل عبارتست از افزایش سریع ، یعنی ده برابر شدن و حتی صد برابر شدن تعداد عناصر مستعد مبارزه سیاسی در میان توده زحمتکش و ستم زده ای که پیش از آن بی عمل مانده بود) و دولت را نا توان کنند و سرنگونی سریع آن را برای انقلابیون میسر سازند."

به نظر می رسد که بسیاری از خطوط اصلی این تصویر لنینی بر جامعه متلاطم ما منطبق است . اما در عین حال به نظر می رسد که جنبش انقلابی در میهن ما با وجود برخورداری از حمایت توده های وسیع میلیونی ، با وجود گسترش و عمق بحران مزمن در حکومت ، در خود آشفتگی ها و نارسایی ها دارد که بر اثر آن غلطات و فاجعات جنبش زیاد و موفقیت های عملی آن در مقایسه با ظرفیت ها و امکانات بالقوه جنبش کم است . پیش از آن که به دلایل این آشفتگی ها و نارسایی ها بپردازیم ، با این نتیجه گیری ناگزیر روبرو هستیم که برابر این چنین برداشتی ، آنچه جنبش گسترده دموکراتیک و ملی مردم به دست خواهد آورد ، در برابر آنچه که باید به دست آورد ، ناچیز است . به عبارت دیگر این خطر جنبش انقلابی را تهدید می کند که در مرحله

دنباله در صفحه ۲

# بحران در مراکز تبلیغات سیاسی و ایدئولوژیک رژیم

مبارزه اعتصابی کارگران و کارمندان و نویسندگان و خبرنگاران روزنامه های اطلاعات و کیهان و آیندگان که به تعطیل موقت و بی سابقه این روزنامه ها منجر شد ، از دو نقطه نظر متفاوت حائز اهمیت بسیار است :

۱ـ افشای هرچه وسیع و عریان ادعاها و تبلیغات رژیم درباره آزادسازی و لغو سانسور و رعایت اصول دموکراتیک .

۲ـ بروز بحران در مهمترین پایگاه ها و مراکز تبلیغات سیاسی و ایدئولوژیک رژیم .

اعتصاب مطبوعات در شرایطی آغاز شد که دولت به اصطلاح آشتی ملی که روی چکمه های حکومت نظامی ایستاده ، و با وقاحت حیوانی و سبعیت ناپذیر از خون و گوشت شهدای راه آزادی می خورد ، با های و هوی و عربده های گوشخراش ، خود را آزادکننده مطبوعات و بخشنده انواع آزادی ها معرفی می کرد و در گفتار تا حد افراط آزادیخواه و درکردار سر پا دارنده دریای خون درمیدان شهدا ، خیابان نظام آباد ، خیابان شوش ، خیابان شاهرضا و کوچه ها و خیابان های دهها شهر دیگر ـ و زندانیان هزاران مبارز و خفته راه آزادی و حقیقت و عدالت ...

شروع اعتصاب و نحوهٔ آن حائز سمبلیک داشت :

یک سرهنگ و یک سرگرد فرمانداری نظامی با اسلحه و اردبیات های تجریه به روزنامه ها میشوند و از نویسندگان و خبرنگاران می خواهند تا تمامی اخبار و گزارش ها را پیش از چاپ از نظر آنها بگذرانند . نویسندگان و خبرنگاران به جای پاسخ قلم های خود را جلوی نظامیان سانسور می ریزند و بلافاصله کارگران فنی و دربی آنها کارکنان اداری روزنامه ها به نویسندگان و خبرنگاران اعتصابی می پیوندند . به این ترتیب دولتی که با ماسک آزادیخواهی به میدان آمده بود ، آن آزادی را که آن همه از آن دم می زد ، در عمل تفسیر کرد . او تفنگ را به مقابله با قلم فرستاد ، چراکه رژیم های مطلقه به تفنگ بیش از قلم و به دژخیم و چکمه پوش بیش از نویسنده و وقایع نگار نیاز مندند و اصولا با هر قلم و قدمی که نخواهد برده و تسلیم محض باشد ، نمی توانند آشتی داشته باشند .

سانسور در جامعهٔ طبقاتی با زتاب شرایط و مناسبات اقتصادی و در واقع نوعی سیاست است برای رژیمی که در عرصهٔ اقتصادی ، نیروهای تولیدی را به تنگنا و خفقان انداخته و در عرصه سیاسی بر پایه کتمان واقعیت زنده و جعل واقعیت های دلخواه استوار است . سانسور جزیی جدا نشدنی از ماهیت وحشی آنست . رژیم شاه که خود به مثابه نوعی سانسور یا زدارنده اقتصادی و سیاسی است ، در عرصه رویاهائی که مطبوعات بخشی از آنست ، جزیا توسل به سانسور بی رویه نمی تواند زنده بماند و هر ادعایی و با هر رنگ و نقل جزاین ، خود تزویر دیگری است . تا وقتی استبدادیسم گندیده ، ضدملی و ضد دموکراتیک وجود دارد ، سانسور نیز چون سایه و همزادشوم آن وجود خواهد داشت .

روزنامه های ایران تقریبا طی همه طول حیات خود زیر سلطه سانسور دولتی و با تهدید مستقیم و غیر مستقیم در خدمت ارباب حکومت در جهت تحمیل مردم ، سلاخی حقیقت و واژگونه جلوه دادن واقعیات و تخریب و تخدیر اندیشه ها و باورهای سیاسی و اجتماعی کوشیده اند . این پایگاه های دروغ و افترا و تظاهرهای سیاسی و ایدئولوژیک رژیم ، به مثابه بخش مهمی از ماهیت و طبیعت نظام استبدادی عمل کرده اند . اینک در نهیب زلزله و بحران عمیق و همه جانبه ای که حکومت را فرا گرفته ، این پایگاه ها و ستون های استوار او نیز در حال لرزیدن و فروریختن است . این یعنی بحرانی که بحران حکومتی تا چه اندازه ژرف و گسترده و غیرقابل کنترل است . پس از شکاف و بحرانی که با اوج گیری مبارزات وسیع مردم در اشکال تظاهراتی و اعتصابی و مقاومت به انحاء و شیوه های متنوع ، در ارتش یعنی مهم ترین دژ حکومت استبدادی بروز کرد و به تعطیله های دامنه دار ، کشتارهای پیاپی سربازان ، درجه داران و افسران شریف و میهن پرست و اجرای مقررات ویژه ، امتیازی در پادگان ها انجامید ، اعتصاب روزنامه هایی که تا دیروز زیر اراده تحمیل شده و سلطه رژیم و سلاح و چاپچی آن بودند ، درد عمیقی است که زیبای آن بازتاب داده است ...

ماحمایت کامل خود را از خواست های دانشجویان و آزادیخواهانه کارگران ، کارمندان ، نویسندگان و خبرنگاران اعتصابی اعلام می کنیم و مطمئن هستیم که زحمتکشان مطبوعات با یگانگی و پیوند درونی خود و به عنوان بخشی از جنبش عمومی ملی و دموکراتیک مردم ایران موفق به شکستن سد سانسور ، این شوم ترین و ضدمردمی ترین حربه اختناقی رژیم ضدملی و ضد دموکراتیک خواهند شد .

# اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

## در اعتراض به جنایات اخیر رژیم

کلیه زندانیان سیاسی زندان قصر در محاصره دژخیمان و قزاولان مسلح شاه از صبح روز پنجشنبه ۲۰ مهرماه یک اعتصاب غذای سیاسی یک هفته ای را آغاز کرده اند. این فرزندان دلیر و برومند خلق های ایران دلیل اعتصاب غذای خود را همبستگی با مبارزات انقلابی مردم ایران ، اعتراض و محکوم کردن جنایات و کشتارهای اخیر رژیم و گرامی داشت خاطره شهدای اخیر خلق اعلام کرده اند.

گزارش های رسیده از پیوستن زندانیان به یکی شکنجه گاهها و سیلوله های رژیم به اعتصاب شکوهمند زندانیان سیاسی قصر حکایت دارد.

ما از همه آزادیخواهان ایران دعوت می کنیم که ضمن پشتیبانی از اعتصاب غذای این شریف ترین دلاوران ایران ، با نگ رسای اعتراض آنان را به گوش جهانیان برسانند.

**با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!**

www.iran-archive.com

## رهنمودهای جنبش اعتصابی

نظامی و تحولات بنیادی اقتصادی وسیاسی و اجتماعی هستند، شعارمدهاکارگرراکه برچیدن سندیکاها و اتحادیه های دولتی، انحلال سازمان فلاحی وساواکی کارگران وحق تشکیل اتحادیه ها و سندیکاها و تشکل های صنفی راطلب می‌کنند، و ده ها و ده ها صداوخواست و تظاهرات اصیل دیگر را که به انحاء مختلف ابراز می شودوهریک جزیی و گوشه ای از مبارزات صنفی و سیاسی اوج گیرنده و پرخروشی راتشکیل می‌دهدکه باپیوستن به هم به جنبش انقلابی میهن ما شکل فعال سراسری بخشیده اند، همه وهمه را مذهبی خواندو اعلام کردکه تنها مرجع مبارزاتی، جریان مذهبی است وهرشماری جز این، از طرف دولت وعوامل آن به جنبش راه یافته است. جنبش سیاسی به هرمیزان که موفقیت و نفوذ کسب کند، به همان اندازه جنبش آزادی خواهانه و ضدامپریالیستی میهن ما راضعیف می کندو اندام های متنوع آن رااز کارمی اندازد ویا کم اثرمی کند. تنها شعارهاوخواست ها و تاکتیک هایی واقعی و قابل اجراو از نقطه نظر جنبش مفیدتراست که از شرایط عینی جامعه سرچشمه باشد وراه حلول عینی وذهنی راهموارکند. نه این که در برابرضرورت های عینی سنگ بیندازد و با انکار وحتی تخریب این ضرورت ها، به جنبش و مردم زیان برساند. در شرایطی که مردم ما با شتام قامت خود، کر میان دریایی از خون شهیدان و عزیزان خوددر گیر نبردی بی امان هستند، در برابر دشمن غداری که تامغز استخوان هادو تا حدودان مسلح است وبه سازمان ها و امکانات ضد انقلابی نیرومندو در آمد ۲۰ میلیاردی نفت و هزاران رشته مرئی ونامرئی امپریالیست ارتجاعی کهن تکیه دارد، اسلحه ای برنده تر از اتحاد عمل و پیوندو هم جوشی باخودندارند. هر قدر این یگانگی ـ که در عمل ناگزیروجوددارد و در صحنه سیاسی در گفتار تاشید و در کردار تکذیب می‌شود ـ تحقق یابد، به همان اندازه زیان فاحش ناشی از ضعف سازمان های سیاسی کم وبیشتوانه مبارزه و مقدورات پیروزی آن نیرومندتر و امکان ضربه های مهلک با وارداوردن ضایعات سنگین بر آن ها ضعیف تر می‌گردد. در چنین فضایی است که باید برخواست ها و آرزوهای ذهنی مبارزدو آنها را تابع مقتضیات عینی جامعه کرد. هرکس به هرشکل و در هرکجاوبه این ضرورت ملی وحیاتی اتحادو اتفاق لطمه بزند، مسئول خون هایی است که چنین فاجعه ای امواج آن راوسیع تر می‌کندوشمربخشی جنبش راکه این همه رنج وخون ومرگ و آرزوها آن همراه است پایمال می‌کندو در بهترین صورت این شمربخشی و نتیجه را به حداقل کاهش می دهد.

### جنبش اعتصابی میلیونی که چون توفان ازپی توفان میهن مارادر می نوردد، ضمن آشکارکردن ماهیت اصلی وجوهر جنبش انقلابی مردم، درچنین حال به این جنبش رهنمودهای مهم وگرانبهاری می دهد. رژیم می کوشداین جنبش اعتصابی و رزمی راکه باهیچ وسیله ونیرویی قابل کنترل نیست‌در چهارچوب صنفی و اقتصادی آن متوقف کندواز فراروشعار خواست های مطالباتی آن به خواست های سیاسی جلو گیرد. ولی برای تامین بودجه ای که به خیال خودبا آن بتواندمبارزان اعتصابی رابخرد، نه رویارفام نجومی خریدهای تسلیحاتی از غرب امپریالیستی و به ویژه امریکا، و هزینه های سرسام آورنظامی و پلیسی و جاسوسی، بلکه روی اکثر برنامه ها و بودجه های عمرانی خط کشیده است. در حالی که به تصدیق روزنامه‌های پرتیراژ رسماً واک، دولت در حال حاضر رقم وحشت انگیز و کاملا بی سابقه ای درحدود ۱۰۰ میلیاردتومان کسری‌بودجه دارد، رادیو بی. بی. سی با شادمانی محافل امپریالیستی وابسته به آنها، طی چندگفتارخودخبرمی دهد که وزارت خارجه انگلیس و آلمان وفرانسه و نیز محافل امریکایی اعلام داشته اندکه در قرارداد های خرید تسلیحاتی با دولت ایران کمترین تخفیری داده نشده است. درجلسه هفته‌پیش هیات دولت تاکید شد که تجدیدنظر در خریدهای تسلیحاتی (بیش از ۶ میلیارد دلار) به ملاحظه ضرورت‌های دفاعی حتی قابل طرح نیست. به این ترتیب تنها صنعتی که برای تامین خواست های مطالباتی اعتصاب‌کنندگان ودیگر اقشار و گروه های اجتماعی زحمتکش باقی می‌ماند، بودجه عمرانی مملکت است‌که حذف یا کاهش آن موجی از شورم افسارگسیخته رادرپی خواهدداشت. درحالی که اعتصابات، تولید را به حداقل سالهای اخیر رسانده وبا توجه به حجم پولی که باافزایش حقوق ها ودستمزدها واردبازار می شودونیز حذف برنامه های عمرانی پیش بینی یک تورم برق آسا و زیرورو کننده از هم اکنون چندان دشوار نیست. آنچه راکه‌دولت با یک دست می‌دهد، غول تورم با دست دیگرخواهدگرفت. و دردست زحمتکشان آنچه خواهدماند، جز باد و هوا نخواهدبود. زندگی زحمتکشان بازهم دشوارترو مصائب آنها بیشتر و بی نصیبی شان از مواهبی که درما به یک سیاست ملی و با مسئولیت، با بهره مندی از امکانات اقتصادی کشورما به کسانی میسراست، تحمل ناپذیرترخواهدشد. بدینسان در شرایط کنونی برای زحمتکشان نتیجه تنها نیرومندمطالباتی حتی در صورت پیروزی کامل بسیارحقیر (اگرنگوئیم

## مساله برسر میزان پیروزی...

حداقل دست آوردهای خودوتحول واقعا انقلابی متوقف شود، درحالی که چنین این "حداقل" و آن "حداکثر" ی که جنبشی با این طول و عرض و عمق درشرایط مساعدعمومی داخلی وخارجی استحقاق نزدیکی به آن راداوارد، فاصله زیادی است. مهم ترین عامل این بی نصیبی و یادرست تربگوئیم کم نصیبی رادرضعف سازمانی طبقات واقشارملی به طور عام و ضعف نسبی سازمانی طبقه کارگر (که علاوه برپیگیری کاش درامرتحول انقلاب بانزدیک به ۶ میلیون جمعیت بزرگترین نیروی طبقاتی واجتماعی ایران است) باید جست وجو کرد. توده هاباگام های فرسنگی از اکثرقهرمان خودپیش افتاده اند، جنبش خودبوی انقلابی باوسعتی که سابقه ندارد، بسیارعلنوتر از سازمان های سیاسی درحرکت است وبا ابتکارات خلق الساعه، راه دشوار وپرپیچ وخم خودرامی‌گشاید. سرچشمه اصلی جنبش، نیروی خودبه‌خودی است، از این رو قادرنیست شما می این نیروراردرست های خودنگهداردو در هرنقطه ای که می خواهدفرو آورد و آن راباقوه ماوردهی که تنهااز میدده‌رهبری سیاسی و تشکیلات سیاسی ساخته است، نیرومندتر وکامیاب‌ترسازد. مارکسیسم ـ لنینیسم می‌آموزد که "هروضع انقلابی منجربه انقلاب نمی شود". انقلاب تنها در موقعیتی بروز می کندکه علاوه بر فراهم بودن اصولی که ازقول لنین در سطر رفیق برشمردیم، با تحولات ذهنی همراه باشد، یعنی قابلیت طبقات انقلابی برای آن که عمل شوده انقلابی رابه اندازه کافی قوی سازد، تاحکومت رادرهم‌بشکند، یا مختل سازد تاتامین شده باشد، چرا که حکومت اگر به نیروی آگاهانه مردم واژگون نشود، حتم‌دریک دوره شدید بحرانی سقوط نخواهد کرد. وضع انقلابی به وسیله سیر عینی تکامل اجتماعی ایجادمی شودوهیچ انقلابی بدون چنین وضعی امکان پذیرنیست. اما برای این که انقلاب استوارگردد، طبقه انقلابی بایدقادرباشدعمل انقلابی رابه منظور سرنگونی یاتحلیل بردن حکومت تقویت کند ـ و برای این که طبقه یا طبقات انقلابی قادر به ایفای چنین نقشی‌باشند، باید بسازمان سیاسی کارآئی رادراختیارداشته باشندکه نیروهای پراکنده‌راکه ازشوروشعورفردی یاگروهی الهام می گیرند، نخست انگیزه های خود به خودبه میدان مبارزه راه می شوند، درخود یا گرداگردخودجمع کندوبه این ترتیب این نیرو های پراکنده، بی نظم وخودبوی راکیفیتاارتقاء دهد.

اما اگرخواهان آن "حداکثر" نتیجه وبهره ای باشیم که جنبشی با مشخصات جنبش انقلابی میهن ما استطاعت و استحقاق آن رادارد، ما بدمهر انقلابی ترین، پی گیرترین و بالنده ترین طبقه اجتماعی رابرپیشانی آویزنیم، طبقه ای که بنا به سرشت‌خودهم آزادیخواه ترین عناصرجامعه وهم مصمم‌ترین و سازش ناپذیرترین مبارزان طبقاتی رادرخوددارد: بایک دست بااستبدادو سلطنت مطلقه که باعث تیره روزی او و تمامی جامعه است می ستیزدو بادست دیگرریشه های هرگونه استثمار، هرگونه بی عدالتی و ستمیش، هرگونه ستم طبقاتی، ملی، مذهبی، جنسی وسیاسی‌رابارد می کند. به هرمیزان که وزن مخصوص طبقه کارگرکه درحزب سیاسی خودمتمرکز شده درکل جنبش میهن ما بیشترباشد، به هراندازه که عنصرکارگری دررهبری این جنبش بیشتر وجودداشته باشد، به همان میزان واندازه شانس نزدیک شدن جنبش انقلابی بحداکثر خواست ها و آرزوهای خود، بیشترتامین می شود.

پوچ) ازکارفرخواهدآمد. پس راهی باقی نمی‌ماند جز این که نبرد صنفی واقتصادی به نبردسیاسی پردامنه وهمه جانبه‌برای ریشه کن کردن رژیم ضد ملی، چپاولگرو وابسته ای که بقایش درهیچ شرایطی جز محرومیت و گرسنگی و محنت و مشقت و استثمارروحشیانه برای زحمتکشان به بار نمی آورد تبدیل شود. این واقعیتی است که از درون‌مبارزات اقتصادی گسترده زحمتکشان می جوشد و به صورت ضرورت اجتناب ناپذیری در می آید ـ و در پرتوا ین ضرورت که بابسیاری از ضرورت های دیگرهمراه است شعارزحمتکشان لحظه به لحظه با محتوای سیاسی بیشتری می آمیزد.

شما می زحمتکشان و پیاپیش آنها طبقه کارگر ایران باتجربه شخصی خودمی آموزندکه میدان اصلی پیکارکجاست. آنها در می یابندکه درمرحله نوین پیکارخویش باید مضمون حرکت و شعارهایشان رابا توجه به فضای عمومی مملکت و منافع ویژه طبقاتی و مبارزاتی خویش، تبدیل به حرکت‌ها و شعارهای سیاسی کنندو اعتصابات صنفی وبا سیمه سیاسی رابه مبارزات و اعتصابات سازمان یافته، با خواست های مشخص سیاسی فراروبانند. لنین باتکیه بر تجربه جنبش‌ها و انقلاب‌های عصر سرمایه داری و امپریالیسم، برآنست که:

"بدون ایجادتحول در نظریات اکثریت طبقه کارگر، انقلاب میسرنخواهدبود. چنین تحولی باتجربه سیاسی خودتوده ها پدید می آید، نه تبلیغات و افشاگری..."

تاریخ نیشخندهای طنزآلودی در چشم‌دارد. حکومت‌ها خودموجبات این تحول انقلابی راپیش پای طبقه کارگرمی گذارند.

## نارضائی و اعتراض درشهربانی

آماده باش کلیه نیروهای مسلح از آغاز اعتصابات وسیع ونظاهرات دامنه دارد‌رسراسرکشور همچنان ادامه دارد.

هرروز اکیپ‌های جداگانه در ادارات وسازمان های نیروهای مسلح ازپایان وقت اداری‌تاحدود ۱۰ شب به عنوان آماده باش به سر می برند. دامنه بحث و گفتگو میان نظامیان درباره اعتصابات گسترده مردم برای تامین حداقل‌زندگی بالاگرفته است. درسراسر مدت آماده‌باش نظامیان به ویژه افسران جوان ودرجه داران اوضع منقلبت بارخودحرف می زنندو آرزومی کنندکه کاش به جای کاردارتش، حتی یک کارمندبا کارگرساده می بودند.

براساس همین گزارش ها، اعتراضات پنهانی میان کادر پائین ارتش نسبت به افزایش هزینه زندگی و دروغپردازی های فرماندهان درباره بهبودفوری اوضاع در آینده نزدیک، کادرابه‌جایی رسانده‌که به رسوایی رئیس‌شهربانی کشورهم کشیده است. ماجراازاین قراراست‌که پس‌ازواقعه بالا رفتن یک پاسبان ازتهران در "میدان بهارستان" برای اعتراض به وضع زندگی آش‌بلاطه اوراسه کمیته می برندوبه جای رسیدگی به وضع اوصدای کنکش می زنند. روز بعدخبردر شهربانی می‌پیچد و زمزمه اعتراض‌ها بالامی گیرد. صداطلاعات خبررا به اطلاع رئیس‌شهربانی کشور (صمدبابهبور ـ جلاد معروف وهمدست مختبار) می رساندوتوصیه می کند که حتما یک جلسه توجیهی برگزارشودتاکارا عتراض به خراب شدن روحیه پرسنل نکشد. جلسه صبح فردا درسرسرای محلل شهربانی کشوربا‌حضور صدها مامور (درجه دار) برگزارمی شود. صمدبابهبورطبق‌معمول وعده و وعید راشروع می کندو از بهبودوضع‌زندگی و افزایش‌حقوق درجه داران دادسخن می‌دهد. اما پاسبانی‌ناریکه دیگرطاقت‌این دروغپردازی هارا نداشتندفریادمی زنند: دروغه، دروغه، جفد و وعده بشنویم. وضع ماازکارمندان اعتصابی هم بدنیست. "کاربه جایی می رسدکه کنترل صدها درجه دار معترض غیر ممکن می شودومقامات دور و بر رئیس‌شهربانی چاره رادران می بینندکه جناب تیمساراز در بغلی خارج کنند!

## خودکشی یک پاسبان

ضارضاقلی، پاسبان شهربانی‌کرج، درمحوطه شهربانی باهفت تیردست به خودکشی زد. وی که به علت جراحت شدیددرسیمارستان بستری شده طی نامه ای علت خودکشی رافقرشدیدو بی توجهی مقامات شهربانی به خواست هایش عنوان کرده است.

## ارتش آمریکا درایران

یک کارشناس فرانسوی متخصص موشک های زمین به زمین ضمن صحبت در تاکسی با فارسی لهجه دار خودمی گفت: "اصلا ارتش ایران جزء ارتش آمریکاست. دریا دگانی که من هشتم صبح ها اول پرچم آمریکا بالامی رودوبعدپرچم ایران!"

## رزم مشترک

همراه سورفیق!
تنهاتنهان به درد!
کاین‌دردمشترک،
هرگز جدا، جدا
درمان نمی‌شود!
دشوارزندگی،
هرگز برای ما،
بی رزم مشترک
آسان نمی‌شود!
تنها تنهاتنه درد!
همراه شو رفیق!

(برزین آذرمهر)

۱۲+۱

رفقای کارگرو برادران زحمتکش شهرورستا!
نبردگسترده اعتصابی صنفی واقتصادی خود را به اعتصابات گسترده سیاسی باشعارلغو حکومت نظامی و آزادی زندانیان سیاسی فراروبانید.
برای تشکل در سندیکاها، اتحادیه ها وخورای متحده اتحادیه های واقعی و پیکارعو مبارزه کنید!
با ایجاد هسته های مخفی انقلابی درهرکارخانه وواحدکارباحزب‌توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران ارتباط برقرارکنید!

**برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرارجمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!**